مطالعات تاریخ اسلام
سال دوازدهم/شمارهٔ ۴۶/ پاییز۱۳۹۹

هنر خوشنویسی و نقش وزرای عباسی در شکوفایی آن

زیور احمدزاده[۱]
طاهره عظیم‌زاده[۲]
اردشیر اسدبیگی[۳]
محمد باغستانی کوزه گر[۴]

چکیده: با تأسیس حکومت عباسیان و ثبات سیاسی، خلفای عباسی به تشویق و ترغیب هنرمندان و گسترش هنر در زمینه‌های گوناگون همت گماردند. وزیران عباسی که خود خوشنویسان زبردست و ماهری بودند، زمینهٔ سامان بخشیدن به خطوط اداری را در دارالخلافه فراهم کردند. در سایهٔ توجهات آنان و کاهش دغدغه‌های اقتصادی هنرمندان، خوشنویسان مطرحی در این عصر پا به عرصه ظهور نهادند. نگارندگان این پژوهش بر آن‌اند تا با مطالعهٔ متون تاریخی تأثیر وزیران دربار عباسی در گسترش و پیشرفت هنر خوشنویسی از عصر خلافت سفاح تا پایان خلافت الراضی (۱۳۲-۳۲۹ق) را مورد بررسی قرار دهند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که وزیران در این دوره اغلب از میان کاتبان دربار به وزارت خلفای عباسی منصوب می‌شدند و با در دست داشتن قدرت سیاسی و حمایت اقتصادی از هنرمندان خوشنویس و تربیت آنان، زمینه‌های خلق خطوط ظریف و بدیعی را در قرون سوم و چهارم قمری فراهم کردند. روش کار در این پژوهش از نوع توصیفی- تحلیلی است و با تکیه بر متون تاریخی سامان یافته است.

واژه‌های کلیدی: خوشنویسی، عباسیان، وزیران عباسی، برامکه، ابن‌مقله

[۱] دانشجوی مقطع دکتری، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. geo_ahmadzadeh@yahoo.com
[۲] دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسندهٔ مسئول) Ta_azim@yahoo.com
[۳] استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. jafar.asdbeigi@yahoo.com
[۴] استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. mo_baghestani@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۹۹/۰۱/۲۵ تاریخ تأیید: ۹۹/۰۶/۰۲

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.5.7]

The Impact of Ministers of the Abbasids Ministers on the Development and Flourishing of the Art of Calligraphy

Zivar Ahmadzadeh[1]
Tahereh Azimzadeh[2]
Ardeshir Asadbeigi[3]
Mohammad Baghestani Kozegar[4]

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

Abstract: With the establishment of the Abbasid caliphate and its political stability, the Abbasid caliphs made a great effort for encouraging the artists and spreading of art in various fields. The Abbasid ministers, who were skilled calligraphers, paved the way for organization of administrative writing scripts in the Dar al-Khalafah, and in the light of their attention and reduction of the economic burdens of the artists, prominent calligraphers emerged in this era. This study aims to investigate the impact of the ministers of the Abbasid court in the development of calligraphy from the rise of Safa'ah caliphate to the end of Al-Radhi caliphate (1329-329 AH) by reviewing the historical texts. The obtained results indicated that the ministers of this era were often appointed from among the court scribes and due to political power and economic support for calligraphers and their training, they provided the grounds for creation of delicate and original scripts in the third and fourth centuries AH. The research method is a descriptive-analytic study organized based on historical texts.

Keywords: Calligraphy, Abbasids, Abbasid ministers, Barmakids, Ibn Muqla.

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.5.7]

1 PhD candidate, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Iran. geo_ahmadzadeh@yahoo.com
2 Associate Professor, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Iran. (Corresponding author) Taherehazimzadeh.t@gmail.com
3 Assistant professor, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Iran. jafar.asdbeigi@yahoo.com
4 Assistant Professor of Islamic Sciences and Culture Research Institute. mo_baghestani@yahoo.com

مقدمه

هنر خطاطی از آغاز ظهور اسلام در میان مسلمانان از جایگاه والایی برخوردار بود. تأکیدهای مکرر قرآن بر اهمیت کتابت و ضرورت تدوین و حفظ قرآن از طریق نوشتن، مسلمانان را از همان نخستین سال‌ها به فراگیری خط و ترویج خوشنویسی ترغیب کرد (صیرفی، ۱۳۸۷: ۱۵؛ سبزواری، ۱۳۷۲: ۱۰۶؛ سمعانی، ۱۳۸۱: ۲۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۱۵۲/۲). نقل روایات متعدد در زمینهٔ کتابت مصحف شریف قرآن بدون توجه به صحت و سقم این امر و رواج آن در میان خوشنویسان قرون اولیه اسلام و به کارگیری این‌گونه روایات به منظور ترغیب مسلمانان به فراگیری خط و خوشنویسی، سبب رونق این هنر و تداوم آن در میان عامهٔ مسلمانان شد.

در متون تاریخی یکی از نخستین افراد در کتابت مصحف شریف قرآن خالدبن أبی‌الهیاج از اصحاب امام علی(ع) است که در صدر اسلام به خوشنویسی و زیبانویسی شهرت داشت. أبی‌الهیاج در دربار ولیدبن عبدالملک (حک: ۸۶-۹۶ق) به کتابت مصحف شریف قرآن، شعر و اخبار مشغول بود. مالک‌بن دینار (متوفای ۱۳۰ق) از دیگر خوشنویسانی بود که در اواخر عهد اموی به کتابت قرآن می‌پرداخت (ابن‌ندیم، ۱۳۶۶: ۱۲). عبدالحمید کاتب (متوفای ۱۳۲ق) نخستین کاتب ایرانی بود که به دربار امویان راه یافت. او مسلط به زبان و ادب عربی و رئیس دارالانشای مروان بود (ابن‌خلکان، ۱۴۱۹ق: ۲۲۹/۳؛ فروخ، ۱۹۵۰: ۸). مشهورترین خطاط و کاتب اواخر حکومت امویان، قطبه محرر (ابن‌ندیم، ۱۳۶۶: ۱۰۲؛ فضائلی، ۱۳۶۲: ۱۷۸) بود که بیشتر کاتبان اوایل عهد عباسی از شاگردان و دست‌پروردگان او بودند. او را از نخستین پیشگامان تحول خط عربی از قلم کوفی برشمرده‌اند؛ زیرا در دوره‌های بعد قلم چهارگانهٔ طومار، جلیل، نصف و ثلث را از قلم کوفی پدید آورد. هنر خوشنویسی از نیمه‌های قرن دوم قمری با روی کار آمدن عباسیان به صورت هنری بدیع و زیبا مورد توجه قرار گرفت و خوشنویسان در این دوره در سایهٔ حمایت خلفای عباسی و وزیران آنان به پرورش ذوق و هنر خویش پرداختند. منابع کهن اسلامی روایاتی از حمایت‌های بی‌دریغ خلفا و وزرای عباسی در زمینهٔ رواج و گسترش خطاطی نقل کرده‌اند که ظهور خوشنویسان زبردست گواه روشنی بر اهمیت این فن در آن روزگاران است (ر.ک. صولی، ۱۳۴۱ق: ۲۴؛ ناموس خواری، ۱۳۸۷: ۲۰).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.5.7]

در میان اشراف و امرا و درباریان، طبقهٔ وزیران که اغلب قبل از تصدی مقام وزارت شغل کتابت و دبیری خلفا را برعهده داشتند، برخی از آنان خود به هنر خوشنویسی می‌پرداختند و در هر فرصتی زمینه‌های رشد و اعتلای هنر خوشنویسی را فراهم می‌کردند. در این میان، کاتبان ایرانی با توجه به پیشینهٔ فرهنگی و تمدنی خویش علاقهٔ فراوانی به خوشنویسی و ترویج این هنر بدیع از خود نشان داده‌اند. هنردوستی و ذوق هنری آنان و پشتکار در فراگیری این هنر فاخر سبب شده بود که به‌تدریج پای ایرانیان به دارالخلافه خلفای عباسی به عنوان کاتب باز شود.

روش تحقیق

در این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد توصیفی- تحلیلی و با تکیه بر متون تاریخی و آثار خوشنویسی بر جای مانده از عصر عباسی، به اقدامات وزیران در زمینهٔ پیشرفت و گسترش هنر خوشنویسی پرداخته شده است. محدودهٔ پژوهش از آغاز خلافت عباسی سال ۱۳۲ق. تا پایان سال ۳۳۴ق. را در برمی‌گیرد که براساس تقسیم‌بندی طقوش (۱۳۹۴: ۲۷) خود به دو دوره تقسیم می‌شود: عصر اول از خلافت ابوالعباس سفاح تا پایان خلافت واثق (۱۳۲-۲۳۲ق) عصر طلایی و شکوفایی عباسی و عصر دوم از آغاز خلافت متوکل تا خلافت مستکفی (۲۳۲-۳۳۴ق) که دوران نفوذ ترکان و ضعف خلافت است.

پیشینهٔ پژوهش

منابع ارزشمندی در زمینهٔ هنر خوشنویسی، تاریخ خط و خطاطی به رشته تحریر درآمده است. این منابع به سیر تاریخ خوشنویسی از ابتدای دوران اسلامی تا دوره معاصر پرداخته‌اند. مقاله‌هایی مانند «ابن‌مقله مخترع خط» از حسین بهشتی (۱۳۲۴)، «ابن‌مقله شیخ الخطاطین» از ادیب کمال‌الدین (۱۴۱۸ق)، «احوال خطوط اسلامی در آغاز قرن چهارم هجری و ظهور ابن‌مقله» از بدیع‌الله دبیری‌نژاد (۱۳۴۸)، «بحران وزارت در عصر دوم عباسی و نقش ابن‌مقله» نوشتهٔ سید احمدرضا خضری (۱۳۷۹) و کتاب‌هایی با عنوان *وزیر مثلث* از حسن وزیری (۱۳۸۱)، *ابن‌مقله* از علی‌اکبر ولایتی (۱۳۹۰) به نگارش درآمده است که در این پژوهش‌ها تنها به عملکرد ابن‌مقله وزیر مشهور عباسی در هنر

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.5.7]

خوشنویسی پرداخته شده است. نگارندگان این پژوهش علاوه بر ابن‌مقله به معرفی دیگر وزیران عصر عباسی که در زمینهٔ خوشنویسی و ابداعات خطوط نقش اساسی داشته‌اند، پرداخته‌اند. همچنین علاوه بر وزیران خوشنویس، به شناساندن عملکرد برخی از وزیران که خود خطاط نبودند، اما بستر مناسبی را برای عرضهٔ هنر خوشنویسی ایجاد کردند و سبب شکوفایی این هنر شده‌اند، پرداخته‌اند که از این بُعد پژوهشی نو و متفاوت است.

۱. عصر اول عباسی و زمینه‌های گسترش هنر خوشنویسی (۱۳۲-۲۳۲ ق)

الف. خاندان برامکه حامی هنر خوشنویسی

خاندان ایرانی برامکه با پیشینهٔ فرهنگی و تمدنی درخشان از نخستین وزرای ایرانی دربار عباسی بودند که به خطاطی و زیبانویسی دلبستگی فراوانی داشتند. یحیی‌بن خالد برمکی (۱۹۰ق) وزیر کاردان و بادرایت هارون‌الرشید خود از خوشنویسان زبردست، ماهر و دوستدار این هنر بود (سجادی، ۱۳۸۵: ۴۳) و در مدت وزارتش بنا بر نظر مورخان بانی فعالیت‌های فرهنگی، علمی و هنری فراوانی بود؛ به گونه‌ای که از تشویق اهل هنر و به‌ویژه خوشنویسان مضایقه نمی‌کرد. یحیی‌بن خالد برمکی به فنون کتابت و خطاطی بسیار آگاه بود و اعتقاد داشت: «خط در حکم یک پیکره است، روح و جان آن معانی‌ای است که از آن مستفاد می‌شود. دست‌های آن، سرعت است و پاهای آن، یکنواختی و اعضای آن، وقوف بر تنظیم فواصل است» (همایونفرخ، ۱۳۵۰: ۶۷۸). خاندان برامکه برای نشان دادن جایگاه والای فرهنگ و هنر ایرانی و همچنین رواج آن در سرزمین‌های اسلامی از هر فرصتی استفاده می‌کردند و هنرمندان ایرانی بااستعداد را تحت حمایت خویش وارد دارالخلافهٔ عباسی می‌کردند و از دانش هنری آنان برای رشد و اعتلای هنرهای مختلف استفاده می‌کردند.

اسحاق‌بن حماد (متوفای ۱۵۴ق) و برادرش ضحاک از نخستین کاتبان و خطاطان دربار عباسی بودند که هنرشان در خوشنویسی شهرهٔ خاص و عام بود. اسحاق‌بن حماد دبیر خلیفه المهدی (حک: ۱۵۸-۱۶۹ق) در سایهٔ حمایت خلیفه عباسی و وزیرانش، اولین مدرسهٔ خوشنویسی را در جهان اسلام پایه‌گذاری کرد (شیمل، ۱۳۶۸: ۴۱) و به تربیت و آموزش خوشنویسان پرداخت. از مشهورترین و برجسته‌ترین شاگردان اسحاق دو برادر اهل

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.5.7]

سیستان به نام‌های یوسف و ابراهیم سگزی بودند (قلقشندی، [بی‌تا]: ۱۷/۳). احول سگزی (فضائلی، ۱۳۶۲: ۱۹۵) یا احول محرر (متوفای قرن دوم قمری) یکی از شاگردان یوسف سگزی بود که به سبب ذوق و هنرش مورد حمایت یحیی برمکی قرار گرفت و در خدمت وی ظرافت‌های خوشنویسی را آموخت و از خوشنویسان مشهور و زبردست روزگار عباسیان شد. در *الفهرست* ابن‌ندیم در احوال او چنین آمده است: «وی در معانی خط و اشکال آن دانش بسزایی داشت» (ابن‌ندیم، ۱۳۶۶: ۱۴).

احول سگزی به رموز خط و کتابت و ظرافت‌های خوشنویسی آگاه بود و بدین سبب در عصر مأمون در زمره کتّاب خاص قرار گرفت. یکی از کارکردهای خوشنویسان نگارش نامه‌های سیاسی و فتح‌نامه‌ها با خطوطی زیبا و ظریف بود. احول سگزی چون خطی نیکو داشت، کاتب نامه‌های مهمی بود که از طرف خلیفه برای ملوک اطراف بر طومار نوشته و فرستاده می‌شد (همان، همان‌جا). او در سایهٔ حمایت‌های مالی وزیر خلیفهٔ عباسی به تحقیق و بحث در زمینهٔ رسوم و قوانین کتابت پرداخت و رساله‌های ارزشمندی در اصول و قوانین خط نگاشت؛ از جمله آنان *رساله جامع* است (راهجیری، ۱۳۴۶: ۵۵). همچنین گام‌هایی به منظور قانونمند کردن قلم‌ها برداشت و آنها را براساس درشتی و ریزی دسته‌بندی کرد (رفیعی، ۱۳۴۵: ۳۸۹) و قلم طومار را در دستهٔ نخست جای داد. ظهور برخی اقلام از جمله قلم مسلسل را که همهٔ حروف آن به هم پیوسته بود، به او نسبت داده‌اند (قلقشندی، [بی‌تا]: ۱۷/۳). احول این قلم را از قلم ریاسی استخراج کرده بود و به آن سروسامان بخشید (رفیعی، ۱۳۴۵: ۳۸۹). قلقشندی در *صبح الاعشی* خطوط دیگری را نیز به او نسبت می‌دهد که عبارت است از: «مومرات» (خاص مکاتبه امیران)؛ «خط قصص» (برای نگارش بر ورق‌های کاغذ کوچک)؛ «غبار الحیله» (ویژهٔ امور سری و بستن به بال کبوتر نامه‌بر) است (قلقشندی، [بی‌تا]: ۱۷/۳). علاوه بر این خطوط، ابن‌ندیم نیز سجلات، عهود، امانات، دیباج، مدیح و مرصع را هم به او نسبت داده است (ابن‌ندیم، ۱۳۶۶: ۱۴). نگارش سندی به خط احول سگزی از سوی مأمون برای امپراتوری روم شرقی که به خاطر زیبایی‌اش در قسطنطنیه به نمایش درآمد، مورد تأیید برخی از تذکره‌نویسان است (شیمل، ۱۳۶۸: ۴۱).

خوشنام بصری (متوفای اواخر قرن دوم قمری) و مهدی کوفی (ممتوفای قرن دوم) نیز از

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.5.7]

خطاطان مورد حمایت خاندان برامکه بودند (ابن‌ندیم، ۱۳۶۶: ۱۲). دربارهٔ تبحر و زیبانویسی خوشنام چنین آمده است که: «الف‌هایی می‌نوشت به ارتفاع یک ذراع و در عین حال آنها را فقط با یک حرکت دست می‌نوشت» (Safadi, 1978: 225).

یحیی برمکی وزیر سیاستمدار عباسی برخی از خوشنویسان را که علاوه بر هنر خوشنویسی از دانش دیگری نیز بهره داشتند، در دستگاه حکومتی منصوب می‌کرد و زمینهٔ رشد و ترقی آنان را در دارالخلافه مهیا می‌کرد. احمدبن أبی‌خالد (متوفای ۲۱۱ ق) به سبب زیبایی خطش مورد تحسین و تمجید یحیی برمکی قرار گرفت و چون به امور دیوانی نیز تسلط داشت، به دستور یحیی برمکی به ریاست دیوان جند اردن منصوب شد (فضائلی، ۱۳۶۲: ۱۹۵). حمایت‌های گستردهٔ یحیی برمکی از أبی‌خالد تا زمانی که بر مسند وزارت بود، ادامه داشت و هنگامی که وزیر به خشم هارون گرفتار و زندانی شد، در نامه‌ای به فضل‌بن سهل وزیر خواستار حمایت او از احمدبن أبی‌خالد شد. یحی برمکی در برخی موارد کاتبان مخصوص خویش را برای امور سیاسی و اطلاع از اوضاع یک منطقه، بدان دیار منصوب می‌کرد. او که برای گسترش نفوذ هارون تلاش می‌کرد، کوشید تا «اسماعیل‌بن صبیح» کاتب خود را به دیوان شام بگمارد و بدین ترتیب از اخبار بیشتر آگاه شود. البته هادی دریافت و یحیی ناگزیر اسماعیل را به حران فرستاد (جهشیاری، ۱۳۴۸: ۱۲۷).

خاندان برامکه علاوه بر رونق بخشیدن به خطاطی در عصر خلافت عباسیان، در جهت پیشرفت و گسترش این هنر فاخر گام‌های بلندی برداشتند که همانا احداث کارخانه کاغذسازی بود. بنا بر روایات، فضل‌بن یحیی اولین کسی بود که در بغداد کارخانه کاغذسازی بنا کرد (بووا، ۱۳۳۶: ۱۱۲؛ شیمل، ۱۳۶۸: ۴۴). به کارگیری کاغذ سیر تکامل خوشنویسی را در درون و برون دستگاه حکومتی و دیوان‌ها به دلیل منسوخ شدن استفاده از پوست آسان ساخت. به نظر می‌رسد این خاندان نخستین کسانی بودند که استفاده از کاغذ و مرکب را در خوشنویسی رایج کردند (جاحظ، ۱۴۲۴: ۲۸/۱). جاحظ در کتاب خود به خدمات وزیران ایرانی هارون و کوششی که زنادقه (مانوی‌ها) در انتخاب کاغذهای پاک و صیقلی و مرکب‌های درخشنده و همچنین تشویق و بزرگداشتی که از خوشنویسان می‌کردند، اذعان کرده است.

در این دوره خوشنویسان و دبیران در جامعه مقام و منزلتی مهم یافتند. این امر به

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.5.7]

خوبی در کتاب *هزار و یک شب* نمایان است (شیمل، ۱۳۶۸: ۴۲). بذر هنر خوشنویسی در دوره هارون با تشویق و حمایت وزرای هنردوستش پاشیده شد و در زمان خلافت مأمون به ثمر نشست. سال‌های خلافت مأمون دورهٔ درخشان خوشنویسی اسلامی بوده است. زیبانویسی، شوق یادگیری و حمایت عامهٔ مردم از خطاطی در این دوره کاملاً مشهود است.

ب. فضل‌بن سهل سرخسی

فضل‌بن سهل سرخسی (متوفای ۲۰۲ق) اولین وزیر خوشنویس دربار مأمون بوده است (عقیلی، ۱۳۶۴: ۷۰). سهل مجوسی پدر فضل از دوستان و نزدیکان یحیی‌بن خالد بود و یحیی بیشتر امور اداری خود را به او واگذار می‌کرد (نخجوانی، ۱۳۴۴: ۱۶۲). فضل‌بن سهل نخست کار تصدی دخل، خرج و پیشکاری یحیی‌بن خالد را برعهده گرفت و در سایهٔ پشتکار و درایت خود، در زمان مأمون به منصب وزارت رسید و به ذوالریاستین (صاحب شمشیر و قلم) ملقب شد (طبری، ۱۳۷۵: ۵۴۷۷/۱۲؛ عقیلی، ۱۳۶۴: ۶۹). نیکی و بخشش بیش از حد او به دانشمندان و هنرمندان باعث شده بود او را با برامکه قیاس کنند (جهشیاری،۱۳۴۸: ۳۸۶). وی از دوستداران و حامیان یوسف سگزی استاد خوشنویس ایرانی بود و همان کسی است که احول محرر را وارد دربار مأمون عباسی کرد (قلقشندی، [بی‌تا]: ۱۷/۳) و فرصت درخشانی را برای رشد و ترقی خط اسلامی فراهم کرد. فضل‌بن سهل همچنین به توصیهٔ یحیی برمکی، احمدبن أبی‌خالد را که خطی خوش و نیکو داشت، تحت حمایت خود قرار داد و وارد دارالخلافه عباسی کرد و در زمان وزارت خود دیوان توقیع[۱] و فض[۲] و خاتم[۳] را به احمد واگذار کرد. احمدبن أبی‌خالد پس از مدتی به خاطر زیبایی خطش که آن را مدیون آموزش‌های یحیی برمکی بود، در زمرهٔ کتّاب خاص

۱ توقیع یعنی نشان کردن پادشاه بر نامه (دهخدا، ۱۳۳۰: ذیل کلمه). وظیفهٔ این دیوان نگهداری مهر و همچنین توقیعاتی بود که امراء در پایانِ نامه‌های مهم خود به عنوان امضاء درج می‌کردند (ابن‌طیفور، ۱۴۲۳ق: ۶۱).

۲ دیوان الفض احتمالاً یک بخش از دیوان رسایل بوده که نامه‌ها و اسناد را دریافت و آنها را طبقه‌بندی می‌کرد و به عرض وزیر می‌رساند و نسخه‌ای از آن ها را نگه می داشت(متز، ۱۳۶۴: ۹۹/۱).

۳ دیوان خاتم یا مهر در زمان معاویه تأسیس شد. در این دیوان نسخه‌ای از هر نامه یا سندی تهیه و نگهداری می‌شد و در عین حال اصل آن نیز بازبینی و مهر می‌شد و سپس ارسال می‌شد. این دیوان برای نظارت بر اسناد و جلوگیری از جعل آنها تأسس شده بود (جهشیاری، ۱۳۴۸: ۲۵).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.5.7]

مأمون قرار گرفت و در نهایت بر مسند وزارت مـأمون تکیـه زد. احمـدبن أبـی‌خالـد از ماهرترین و زبردست‌ترین افراد در نوشتن قلم محقق[۱] بود.

فضل‌بن سهل که خود از خوشنویسان عصرش به حساب می‌آمـد، زمینـهٔ ابـداع خطـی مختص مکاتبات دستگاه حکومتی را فراهم کرد. وی نخستین کسی بود که به فکر جدایی خط اداری از دیگر دو قلم رایج در آن زمان افتاد. در منابع تاریخی چنین آمـده اسـت کـه فضل‌بن سهل به امر خلیفه عباسی خطی را برای کارهای اداری وضع کرد تا سروسامانی بـه اقلام رایج در دربار دهد. این خط به خط «ریاسی» معروف شده بـود (راهجیـری، ۱۳۴۶: ۵۵). ابداع قلم ریاسی از درآمیختن دو قلم نسخ و ریحان بود، اما قلـم نسـخ آن بـر ریحـان غالب بود. تذکره‌نویسان این خط را اغلب به سهل‌بن فضل نسبت می‌دهنـد؛ گرچـه برخـی مانند سفادی معتقدند که یوسف سگزی مبدع اصلی این خط بوده و ذوالریاسـتین حـامی او در این کار بوده است. سفادی نقل کرده است که: «یوسف خط جلیل را از اسحاق‌بن حماد گرفت و عمودها را در این خط اندکی تغییر داد. انحناهای باز این خط را مدور کرد و آن را اصلاح نمود. این شاخصه‌ها به ابداع خط زیبا و ظریفی انجامید که مـورد توجـه فضـل قرار گرفت. فضل این خط را تحسین کرد و دستور داد از آن برای نگـارش گـزارش‌هـا و ثبت اسناد آمار اداری استفاده کنند. فضل نـام ایـن خـط را ریاسـی یعنـی اداری گذاشـت» (Safadi,1978: 226). از دیگر اموری که در زمان وزارت فضل‌بن سـهل و بـه حمایـت او صورت گرفت، تهذیب و هنری ساختن خط‌ها بود کـه پـس از آن در میـان خوشنویسـان مورد استقبال فراوانی قرار گرفت.

علاقه به خوشنویسی، زیبانویسی و حس رقابت در دارالخلافهٔ مأمون عباسی چنان اوج گرفته بود که درباریان و کاتبان به یک میزان سعی وافر داشتند تـا نوشـته‌هـای ظریـف و چشم‌نوازی را به وجود آورند و به مهارت و استادی خوبش ببالند. این امر تا بـدانجا پـیش رفت که ابن‌قتیبه از آن شکایت کرد که هدف نهایی کاتبان بر این است تا نوشته‌ای زیبا با خطوط راست و استوار ایجاد کنند و وظیفهٔ علمی آنـان فـدای عشـق و علاقـهٔ شـدید بـه مهارت هنری شده است (همایونفرخ، ۱۳۵۰: ۶۸۹).

---

۱ قلم «محقق» از باب حقق/ تحقیق به معنی استوار و محکم؛ خطی شکوهمند، وزین و درشت با فواصل منظم و معین است که تمامی حروف آن در هیئت مفرد و مرکب کامل و صحیح است. این قلم بیشتر شبیه کوفی ساده است.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.5.7]

ت. عبدالله‌بن محمدبن یزدادبن سوید

از میان وزرای مأمون عباسی، آخرین وزیر او عبدالله‌بن محمدبن یزدادبن سوید نیز خطاط بوده است. خاندان ابوعبدالله جملگی خراسانی و بر آیین مجوس بودند. ابن‌سوید نخستین فرد در میان خاندانش بود که مسلمان شد. وی در کودکی پدرش را از دست داد و تحت حمایت مادرش برای آموزش به یکی از دبیران ایرانی سپرده شد. ابن‌سوید به خوبی آداب و رسوم بی‌شماری را از ایرانیان فرا گرفت و چندان در کار خویش پیشرفت کرد که پس از مدتی در دیوان مشغول به کار شد. مأمون او را در سال ۲۱۴ق. به دلیل کاردانی و درایتش به وزارت منصوب کرد و تا زمان مرگ مأمون همنشین و وزیر او بود (ابن‌طقطقی،۱۳۶۷: ۳۱۷).

در زمان مأمون ۲۴ گونهٔ اصلی قلم وجود داشت، اما زیباترین این اقلام، شیوهٔ ابداعی فضل یعنی قلم ریاسی بود. به عبارتی می‌توان این‌گونه بیان کرد که ثبات سیاسی حاکم بر جامعه و دربار در این سال‌ها زمینهٔ فعالیت هنر خوشنویسی در پرتو حمایت وزیران و به دنبال آن، هنرنمایی خوشنویسان را فراهم ساخت. به این ترتیب، از میان شش وزیر مأمون سه تن از آنها خوشنویس و خطاط بودند که بستر بسیار مناسبی را برای رشد و نوآوری این هنر فراهم کردند. به نظر می‌رسد دارا بودن خطی زیبا در جامعهٔ عصر عباسی مورد اقبال عامهٔ مردم بوده است.

۲. عصر دوم عباسی و شکوفایی هنر خوشنویسی (۲۳۲-۳۳۴ق)

پس از عصر مأمون و معتصم عباسی شور و اشتیاق آموختن هنر خوشنویسی از میان مردم رخت بر بست و بیشتر خطوط به فراموشی سپرده شد. به نظر می‌رسد ابداع خطوط مختلف و پیچیدگی‌های موجود در آنها و درباری شدن خط باعث کم‌رنگ شدن این هنر در بین عوام شد و کاربرد قلم‌ها محدود به برخی از خواص و طبقه اشراف، امرا و درباریان بود. البته دلزدگی‌های سیاسی و اجتماعی مردم، مشکلات اقتصادی و فضای ناامیدکنندهٔ عصر پس از مأمون در این روند بی‌تأثیر نبوده است و از طرفی، وزیران این دوره نیز اقبال کمتری به این هنر نشان دادند. یکی از دلایل عمدهٔ بی‌اعتنایی وزیران به هنر خوشنویسی در این دوره، شرایط سیاسی حاکم بر دربار و عزل و نصب‌های پی‌درپی

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.5.7]

وزیران بود که مجالی به آنان برای حمایت‌های مالی و معنوی از هنرمندان و پرداختن به هنر خوشنویسی نمی‌داد. با وجود این، برخی از آنان که قبل از وزارت کاتب یا دبیر بودند، خطی زیبا داشته‌اند که نشان می‌دهد آموزش خط همچنان در دربار رایج بوده؛ گرچه نوآوری خاصی در این زمینه وجود نداشته است.

الف. ابوجعفر محمدبن عبدالملک بن‌زیات

در روزگار معتصم عباسی وزیرش ابوجعفر محمدبن عبدالملک‌بن زیات (متوفای ۲۳۳ق) خود از ادیبان و شاعران آن دوره (نخجوانی، ۱۳۴۴: ۱۷۸) و از حامیان هنر خوشنویسی بود (ابن‌طقطقی،۱۳۶۷: ۳۲۵). وی در زمان معتصم، واثق و متوکل عهده‌دار وزارت بود (ابن‌ندیم، ۱۳۶۶: ۲۰۲؛ مسعودی، [بی‌تا]: ۹۳/۴). او خطی بسیار زیبا و نیکو داشت و خط احمدبن محمدبن حفص معروف به «زاقف» را (جزو برترین خطاطان این عصر در قلم ثلث) بسیار می‌پسندید (فضائلی، ۱۳۶۲: ۲۴۱). ابن‌زیات این هنرمند خوشنویس را وارد دارالخلافه عباسی کرد و به عنوان منشی مخصوص خود انتخاب کرد و مورد حمایت معنوی و مادی خویش قرار داد.

ب. عبیدالله‌بن یحیی‌بن خاقان و سلیمان‌بن وهب‌بن سعید

عبیدالله‌بن یحیی‌بن خاقان از وزیران متوکل عباسی، گرچه مردی بی‌انضباط و کارهایش درهم و برهم بود، اما خطی نیکو داشت (همان، ۳۲۹). همچنین سلیمان‌بن وهب‌بن سعید (ابن‌طقطقی، ۱۳۶۷: ۳۴۰) که در زمان المهتدی وزارت او را عهده‌دار بود، از خوشنویسان عصر خود بود (همان، ۳۳۹). آنان همچون خاندان برمکی و سهل از بزرگان، دانشوران و مردمی فاضل، بزرگوار، کریم و در امور سیاسی با تدبیر و کاردان بودند. دولتشان همواره تازه، نو و روزگارشان درخشان بود. در دورهٔ آنها بساط ادب گسترده بود و مراسم کرم و بزرگواری رواج داشت. سلیمان‌بن وهب از حیث فضل، ادب، نامه‌نگاری و دفترنویسی سرآمد کاتبان عصر خویش بود و یکی از خردمندان و صاحبان رأی به شمار می‌آمد. وی در سرودن شعر نیز ید طولایی داشت (نخجوانی، ۱۳۴۴: ۱۸۸). خلیفه مأمون عباسی او را به سبب خط زیبا و نامه‌ای که نوشته بود، حمایت کرد. گزارش شده است که سلیمان در

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.5.7]

آغاز نوجوانی در خدمت محمد یزداد وزیر خوشنویس مأمون بود و در دارالخلافه در امور مختلف به او کمک می‌کرد. روزی در غیاب محمد یزداد، مأمون از او خواست پیش‌نویس نامه‌ای را برایش بنویسد. او نیز نامه را نوشت و پاک‌نویس کرد و به مأمون داد. مأمون از خواندن نامه رضایت خویش را اعلام کرد و پس از آن کارهای مهم را به عهده سلیمان گذاشت (ابن‌اثیر،۱۳۷۱: ۱۶۴/۱۲).

پ. احمدبن عبیدالله‌بن احمدبن خصیب

از دیگر وزرای خوشنویس عصر دوم عباسی، می‌توان به احمدبن عبیدالله‌بن احمدبن خصیب (ابن‌طقطقی،۱۳۶۷: ۳۶۹) از وزیران المقتدر بالله عباسی اشاره کرد. ابوالعباس احمدبن عبیدالله‌بن احمد الخصیبی قبل از وزارت منشی مادر مقتدر بود (همان، همان‌جا). وی علاوه بر اینکه به علوم ادبی و دیوانی آگاه بود، از خطی زیبا و بلیغ نیز بهره‌مند بوده است.

ت. ابوالحسن علی‌بن محمدبن فرات (۲۴۱– ۳۱۲ق)

ابوالحسن علی‌بن محمدبن فرات (۲۴۱–۳۱۲) نیز جزو وزیرانی بود که خطی نیکو و زیبایی داشت. خاندان فرات جملگی اهل «صریفین دجیل» از توابع بغداد بودند (صابی، ۱۳۴۶: ۱۱). این خاندان شیعه‌مذهب که در سده‌های سوم و چهارم قمری زندگی می‌کردند، از حیث فضل، کرم، شرف، وفا و جوانمردی سرآمد مردم روزگار بودند (حسن، ۱۳۹۲: ۶۰۴). ابن‌فرات در زمان عباسیان سه دوره بر مسند وزارت نشست (صابی، ۱۳۴۶: ۱۱). گویا او نیز به مانند دیگر وزرای خوشنویس پس از مأمون، نوآوری خاصی در خطاطی نداشته است، اما یکی از خدمات ارزشمند و قابل ستایش او در زمینه خوشنویسی حمایت بی‌دریغ از ابن‌مقله پیغمبر خط بوده است. ابن‌فرات در شمار ارادتمندان و دوستان ابن‌مقله بود که او را وارد دارالخلافه عباسی کرد و در سالیان بعد مادامی که ابن‌مقله در زندان به سر می‌برد، جویای احوالات او بود و برایش نامه می‌نوشت. ابن‌مقله همان کسی است که پس از سال‌ها جان دوباره در کالبد خوشنویسی اسلامی دمید.

وزیران دربار عباسی در این دوره نقش چشمگیری در رشد و شکوفایی خوشنویسی نداشتند، اما در زیبانویسی مهارت خوبی داشتند. در عصر دوم عباسی نسبت به دورهٔ قبل

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.5.7]

استفاده از نشانه‌های سجاوندی (علائم نقطه‌گذاری) و در موارد بسیاری اعراب‌گذاری در هنر خوشنویسی رواج بیشتری یافت (مقتدایی، ۱۳۹۴: ۳۹۲) و خطوط از زیبای خاصی بهره‌مند شدند؛ آنچنان‌که به اعتقاد علی‌بن عیسی وزیر عباسی، نشانه‌های سجاوندی یک نوشتار چون پارچه‌ای است که هنرمندانه طراحی شده باشد (شیمل، ۱۳۶۸: ۴۵).

ج. ابن‌مقله نگینی بر هنر خوشنویسی

رکود و یکنواختی در هنر خوشنویسی با روی کار آمدن ابن‌مقله وزیر هنرمند عباسیان به پایان رسید. ابن‌مقله که وزارت سه تن از خلفای عباسی را برعهده داشت، بنا بر روایات متون تاریخی در دوران خود نادره‌ای به تمام معنا بود و یکی از خدمتگزاران مهم در پیشرفت هنر خوشنویسی بود. ابوعلی محمدبن علی‌بن مقله در سال ۳۱۶ق. برای مدتی عهده‌دار وزارت شد. وی نخست در یکی از دیوان‌ها خدمت می‌کرد و پس از مدتی به ابوالحسن‌بن فرات پیوست و از خواص او شد (ابن‌طقطقی، ۱۳۶۷: ۳۷۰). ابن‌مقله نزد ابن‌فرات می‌نشست و نامه‌های ارباب‌رجوع را می‌گرفت و به ابن‌فرات گزارش می‌داد. او همچنان در این شغل باقی ماند تا آنکه کارش رونق گرفت. ابن‌مقله طی چند سال وزیر سه تن از خلفای عباسی یعنی مقتدر، القاهر و الراضی بالله بوده است.

ابن‌مقله در هنر خوشنویسی به همراه برادرش عبدالله اقلام مختلفی (محقق، ریحان، ثلث، نسخ، رقاع و توقیع)[1] را از قلم کوفی استخراج کرد (ابن‌ندیم، ۱۳۶۶: ۱۷؛ الکردی المکی، ۱۹۳۹: ۲۲۵). البته با توجه به قراین این خطوط دویست سال قبل از ابن مقله متداول بوده و به همین دلیل بهتر است گفته شود آنها این خطوط را تکمیل کردند (الکردی المکی، همان، ۲۲۶).

---

۱ قلم ریحان: پس از محقق آمد و از آن جدا شد. ریحان به معنای خوشبو و نازبو است. بسیار ظریف و لطیف است و شکل کوچک محقق است. اقلام محقق و ریحان در نوشتن مصحف و دیوان به کار می‌رفت.
قلم ثلث: از اقلام ابداعی ابن‌مقله است که ریشه در قلم کوفی دارد و به نام ام‌خطوط معروف است. خاندان بنی‌عباس بسیار در رواج آن کوشیدند. جزو اقلام محکم و مستدیر است که برای نوشتن کتیبه و سرلوح و عناوین به کار می‌رفت.
قلم نسخ: قلمی یکنواخت، کامل، معتدل منظم و روشن است که برای کتابت نامه‌ها به کار می‌رفت.
قلم رقاع: در لغت به معنای رقعه و به معنی پاره‌هاست. گونه‌ای از قلم است که با آن مکاتبات دیوانی و قصه‌ها را بر روی رقعه کتابت می‌کردند و حروف و صور آن شبیه به ثلث و توقیع بود. به سبب ریزی و لطافت این قلم، در نوشتن آیات قرآن و کتب و تاریخ به کار می‌رفت.
قلم توقیع: این قلم را به این نام می‌خواندند؛ زیرا وزرا و خلفا بر پشت کتب و نامه‌ها با این قلم می‌نوشتند. توقیع در لغت به معنای دستخط و امضاست و ریشه در قلم ثلث دارد و شبیه به آن است. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: فضائلی، ۱۳۶۲.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.5.7]

این دو برادر به سبک پدرانشان می‌نوشتند. با اینکه گروهی از خانواده و فرزندانشان به نویسندگی و خطاطی مشغول بودند، اما سرآمد آنان ابن‌مقله بود که به جایگاهی رفیع در هنر خوشنویسی دست یافت. ابن‌ندیم در مورد هنر خوشنویسی دو برادر نوشته است: «ابوعلی در خط توقیع و ابوعبدالله در خط نسخ یگانه بودند» (ابن‌ندیم، ۱۳۶۶: ۱۷). مقام ابن مقله در خوشنویسی از دو جهت قابل بررسی است: ۱. ابداع اقلام گوناگون؛ ۲. زیباسازی مفردات و ترکیبات ساختاری حروف و کلمات.

د. ابداعات ابن‌مقله در هنر خوشنویسی

ابن‌مقله را مخترع و مبتکر رسم‌الخط بدیع و خط جدید عربی می‌دانند، اما مهم‌ترین کار او وارد کردن هندسه (فضائلی، ۱۳۶۲: ۲۹۶) و استفاده کاربردی از آن در خوشنویسی است. ابن‌مقله کوشید از دشواری‌های قلم کوفی بکاهد تا همهٔ مردم به فراگیری آن مشتاق شوند. به نظر می‌رسد آشتی دادن مردم با این هنر، رونق و فراگیر شدن دوبارهٔ آن، از دغدغه‌های اصلی ابن‌مقله بوده است.

ابن‌مقله در نخستین گام قواعد استوار و منطقی و روش‌های نگارش علمی را تدوین کرد و اولین اصول مدون اقلام را به رشتهٔ تحریر درآورد (ولایتی، ۱۳۹۰: ۴۱). قاعدهٔ خط ابن‌مقله بر مبنای دور و سطح بود (خلیلی، ۱۳۸۰: ۱۱۸/۲–۱۱۹). او از قلم کوفی قلمی ساخت و آن را «محقق» نامید (فضائلی، ۱۳۶۲: ۲۹۸). سپس با تربیت شماری از مستعدین به تبلیغ آن پرداخت و قلم محقق را به سبب اشکال یکدست و یکنواخت خاص درشت و منبسط در کمال روشنی و استواری، مخصوص تحریر آیات قرآن و کتب دین قرار داد. پس از آن قلم ریحان را از قلم محقق استخراج کرد (زین‌الدین، ۱۳۹۳: ۳۴). قلم ریحان با خصوصیات محقق و در ابعاد کوچک‌تر بود و به واسطهٔ ظرافتش آن را به گل و برگ ریحان تشبیه کرده‌اند. ابن‌مقله این قلم را نیز آموزش داد و طولی نکشید که این قلم در مراکز علمی و تحصیلی و در میان عامهٔ مردم متداول شد. قالب بعدی ثلث بود. یک‌سوم حرکات آن سطح و دو سوم آن دور بود؛ به همین دلیل به آن ثلث می‌گفتند (وزیری، ۱۳۸۱: ۵۱). قلم ثلث مخصوص معماری بود و آیات الهی را به زیباترین وجه بر سیمای اماکن متبرکه جلوه‌گر می‌ساخت.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.5.7]

ابن‌مقله قلم نسخ را در سال ۳۱۰ق. در زمان مقتدر عباسی و وزارت ابن‌فرات اختـراع و وضع کرد و با خلق این قلم، ناسخ اقلام آشفتهٔ کتابت متداول در عصر خویش شد. نسـخ در لغت به معنی محو و باطل کردن است (ولایتی، ۱۳۹۰: ۴۸). او اساس قواعد قلم نسخ را بـه نقطه استوار کرد و دوازده قاعده برای کیفیت و امتیاز آن مقرر کرد (مایل هـروی، ۱۳۷۲: ۴۵۴). این قواعد دوازدهگانه عبارتند از: ترکیب، کرسی، نسبت، ضعف، قوت، سطح، دور، صعود مجازی، نزول مجازی، اصول، صفا و شأن.[۱] خواندن و نوشتن قلم نسخ[۲] بسیار ساده و روان است و از خواناترین خوشنویسی‌های اسلامی به شمار می‌رود. قلم نسخ معمولاً بـرای نوشتن قرآن و ثلث برای درشت‌نویسی، به‌خصوص کتیبه‌های سردر مسجدها و کاشی‌کاری به کار می‌رفت. قلم محقق و ریحان مخصوص قطعه‌نویسی، توقیع و رقاع مخصوص نوشـتن کارهای روزانه و نامه‌نگاری بوده است (شیمل، ۱۳۶۸: ۴۱).

پس از نسخ، ابن‌مقله قلم رقاع (مقتدایی، ۱۳۸۴: ۴۱۸) را با پنج دانـگ سـطح و نـیم دانگ دور ابداع کرد تا رقعه‌ها و فرمان‌های حکام ولایات با آن نوشـته شـود. رعایـت میزان هندسی حروف با توضیح روابط میان اجزای حروف، در دایره‌ها تکمیل و مقـرر شد و تا امروز برای خوشنویسان باقی مانده است. در این قلم، مبنای کمال تناسب حروف با یکدیگر است. فضایلی مـی نویسـد (۱۳۶۲:۲۹۹)هـرکس کـه بـه خوشنویسـی عشـق

---

۱ قاعده ترکیب یعنی آمیزش و در کنار هم قرار گرفتن هماهنگ و دلپذیر حروف، کلمات، جمله‌ها و سطرها با یکـدیگر. بـه گونه‌ای که از حُسنِ ترکیب برخوردار باشند. قاعده کرسی یعنی اینکه نوشتن با توجه به خط کرسی یا همان خط زمینـه انجام شود. قاعده نسبت (تناسب و هم‌اندازگی) یعنی اینکه شکل‌ها و حروف مشـابه هـم در همـهٔ مـوارد بـه یـک انـدازه باشند. قاعده ضعف: از قواعد خوش‌نویسی رعایت نازکی در حروف است که باید رعایت شود. قاعده قوت: رعایت ضـخامت در حروف است که زیباترین شکل آن در آخر کشیده‌ها دیده می‌شود. قاعده سطح: از قواعد خوش‌نویسی حالـت خشـکی است که به چشم می‌آید و فقط در اوایل کشیده‌ها است. قاعده دور: حالت نرمی و دایره‌وار بودن حروف است کـه نهایـت آن در آخر کشیده است و اعتدال سطح و دور را باید در خـط اسـتادان یافـت. بـرای مثـال، در خـط دیـوانی بیشـتر دور می‌باشد. قاعده صعود مجازی: از قواعد خوشنویسی حرکت قلم از پایین به بالا را می‌گویندبه شرطی که مسـتقیم نباشـد؛ مانند نوشتن آخر کشیده‌ها. قاعده نزول مجازی: حرکت قلم از بالا به پایین اسـت و حالـت مسـتقیم نـدارد؛ چـون اوایـل کشیده‌ها. قاعده صفا (شادابی): حالتی از خط است که طبع را شاد و چشم را روشن می‌سازد. قاعده اصول یا استواری، بـه معنی حسن نگارش حروف و استحکام آنها از جهات قوت، ضعف، سطح، دور، صعود، نزول است. قاعدهٔ شأن یا دلنشـینی، کیفیتی از خط است که چون پدید آید خطاط به نگریستن در خط مجذوب شود و احساس خسـتگی نخواهـد کـرد. دو اصطلاح «صفا» و «شأن» صفت خطی است که به مرحلهٔ کمال رسیده باشد و پس از سال‌هـا تمـرین و کـارآزمودگی در خوشنویسی پدید می‌آید. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: فضائلی، ۱۳۶۲.

۲ در قلم نسخ برخلاف ثلث حروف و کلمات پس و پیش و سوار بر یکدیگر نوشته نمی‌شود و به همین سبب خواناتر از ثلث است.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.5.7]

می‌ورزد، این گفتهٔ ابوحیان توحیدی صاحب رساله *علم الکتابه* را تصدیق می‌کند که: ابن‌مقله پیغمبر خط است و دست او همچون زنبور عسل در ساختن خانه‌های مسدس در قالب‌ریزی خط ملهم شده است.

زیباسازی در مفردات و ترکیبات خطوط

سهم عمدهٔ ابن‌مقله در راه تکامل زیبانویسی و نسخ این بود که تناسب حروف را بر مبنای الف سنجید (سرمدی، ۱۳۷۹: ۳۰۲). به‌طور کلی تطور تکامل زیبایی راستین و استواری کامل خط بر مبنای مقیاسی متین، با نام ابن‌مقله همراه است؛ به همین دلیل نام وی در فرهنگ و معارف اسلامی نه تنها میان خوشنویسان، بلکه شاعران نیز ضرب‌المثل شد و به «امام الخطاطین» ملقب شد (اصفهانی، ۱۳۶۹: ۴۵). صاحب‌بن عباد درباره او تک‌بیتی با این مضمون سروده است:

خط وزیر ابن مقله بسان قلب و مقله [تخم چشم]

(فضائلی، ۱۳۶۲: ۲۹۹)

سعدی ظرافت او را در خوشنویسی چنین ستوده است:

گر ابن مقله دگر باره در جهان آید چنان که دعوی معجز کند به سحر مبین
به آب زر نتواند کشید چون تو الف به سیم حل ننگارد به سان ثغر تو سین
کاش ابن‌مقله بودی در حیات تا بمالیدی خطش بر مقلتین

(سعدی، [بی‌تا]: ۴۷۹)

حتی در زمانهٔ ما شاعر مصری ملک‌الشعرا شوقی، الف‌های خط ابن‌مقله را به دلیل ظرافت و زیبایی به ستون‌های قصر الحمراء تشبیه کرده است (شیمل، ۱۳۶۸: ۴۱).

در زمان خلاف الراضی بالله (۳۲۲–۳۲۹ق) در پی اختلاف با ابن‌رائق امیرالامراء، به دستور خلیفه دستش را بریدند. با این همه قلم را به بازو بست و به خطاطی و نوشتن ادامه داد. نوشته‌هایش را اغلب در مقام احسان و نفقه به محتاجان اکرام می‌کرد. پس از آنکه الراضی پزشکی را برای مداوای دست او فرستاد، گفت: «چگونه دست مبارکی که خدمت خلفا کرده و دو بار قرآن نوشته، مثل دست دزدان نقب‌زن بریده شد». آنگاه گریه سر داد و این بیت را سرود:

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.5.7]

اذا مـا مات بعضک فابک بعضا فــان البعض من بعض القریــب

(ولایتی، ۱۳۹۰: ۴۱)

«وقتی قسمتی از وجود تو مرد و از بین رفت، بر بقیه دیگر گریه کن؛ زیـرا آن قسـمت دیگر هم به اولی نزدیک است».

ابن‌مقله هیچ‌گاه از تلاش برای آموزش و یادگیری خوشنویسی حتی بعد از بریده شـدن دستش، دست بر نداشت و ماهرانه به خطاطی ادامه داد و شاگردان بـی‌شـماری را تربیـت کرد که از معروف‌ترین شاگردان او محمدبن اسعد (ابـن‌خلکـان، ۱۴۱۹: ۳۴۲/۳-۳۴۳) و محمدبن سمسانی (قلقشندی، [بی‌تا]: ۱۷/۳) بودند و ابوالحسن علی‌بن هلال (متوفای ۴۱۳ق) ملقب به «ابن‌بواب» خوشنویس مشهور قرن چهارم قمری، از شاگردان این دو تن بوده است (فضائلی، ۱۳۶۲: ۳۰۰). برخی منابع گزارش داده‌اند که ابن‌بواب از شاگردان دختر ابن‌مقلـه در خطاطی بوده (شیمل، ۱۳۶۸: ۴۵) و او روش ابن‌مقله را به ابن‌بواب آموخته است. تأثیر خط ابن‌مقله بر هنر خوشنویسی ابن‌بواب چنان بود که با مهارتی خاص خطوط استاد خود را کتابت می‌کرده است. نخجوانی گفته است: ابن‌طقطقی از کتابی یاد کرده که ابتـدا مـی‌پنداشته به قلم ابن‌مقله است، اما زمانی که نظر یاقوت مستعصمی از خوشنویسـان مشـهور قرن پنجم را درباره آن جویا شد، یاقوت تشخیص داد که این کتاب به خط ابن‌بواب اسـت که با شیوهٔ ابن‌مقله آن را نوشته است (نخجوانی، ۱۳۴۴: ۲۰۸). شهرت ابن‌مقله عـلاوه بـر زیبایی خط و ابداع خطوط مختلف، مرهون خلق آثاری است که بـه او نسـبت داده شـده است. مهم‌ترین آنها عبارت است از:

- *رسالة فی العلم الخط* در دار الکتب مصر ؛
- *رسالة الخط* در مکتب عطارین تونس؛
- *اصناف الکتاب و مقدمة فی الخط* در مغرب ؛
- «قرآنی» که جزء سی را ندارد و توسط ابن‌بواب تکمیل شـده اسـت. ایـن قـرآن در کتابخانه بهاءالدوله در شیراز توسط ابن‌بواب پیدا شد؛
- نامه‌ای به استادش اسحاق‌بن ابراهیم الاحول و قرآنی دیگر به خط او که در انـدلس است و در مسجد العدیس در اشبلیه نگهداری می‌شود؛
- کتاب *الاختیار الاشعار و جمل الخط*؛

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.5.7]

چند نامه نیز از او به جا مانده است؛ نامه‌ای برای فرماندهان سپاه و حکام ولایات، نامه‌ای برای عبدالله البریدی و نامه‌ای برای ابن‌فرات زمانی که در حبس بود (وزیـری، ۱۳۸۱: ۱۶). سرانجام این وزیر هنردوست و هنرپرور در سال ۳۲۸ق. چشم از جهان فانی فرو بست.

تصویر ۱. نمونه خط ابن‌مقله

تصویر ۲. نمونه‌ای زیبا از قرآنی به خط ابن‌بواب[۱]

۱۱ وب سایت هنرگردی ثبت شده در پایگاه ستاد سامان دهی وزرات فرهنگ و ارشاد.www.honargardi.com

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.5.7]

جدول ۱. وزیران خوشنویس عباسی تا پایان خلافت راضی

نام وزیر	نام خلیفه	مدت وزارت	شغل قبل از وزارت	ملیت	اقدامات
یحیی برمکی	هارون	۱۷۰–۱۷۶ق	کاتب	ایرانی	خوشنویس، حمایت از اسحاق‌بن حماد مؤسس مدرسه خوشنویسی، ضحاک‌بن حماد، احول محرر نویسنده رساله جامع در خوشنویسی و مخترع خطوط خفیف، الثلث، مومرات و اقلام مسلسل و غیره. حمایت از خوشنام بصری و مهدی کوفی و احمدبن أبی‌خالد...
احمدبن أبی‌خالد	مأمون	۲۰۵–۲۱۰ق	کاتب	عرب‌نژاد	خوشنویس، ابداع قلم محقق، نویسندهٔ نامه‌های خلیفه به کشورهای دیگر.
فضل‌بن سهل	مأمون	۱۹۶–۲۰۲ق	کاتب	ایرانی	خوشنویس، حمایت از یوسف سگزی خطاط، معرفی خوشنویس معروف احول محرر به مأمون عباسی، حمایت از احمدبن أبی‌خالد خطاط، ابداع خط ریاسی.
ابوعبدالله محمدبن یزدادبن سوید	مأمون	۲۱۴–۲۱۸ق	کاتب	ایرانی	خوشنویس
عبدالملک‌بن زیات	معتصم–واثق	۲۲۵–۲۲۷ق ۲۳۲–۲۳۳ق	کاتب	عرب‌نژاد	خوشنویس، حمایت از احمدبن محمد حفص (زاقف)
عبیدالله‌بن یحیی خاقان	متوکل	۲۴۰–۲۴۷ق ۲۵۶–۲۶۳ق	کاتب و دبیر	ایرانی	خوشنویس
سلیمان‌بن وهب	المهتدی	۲۵۶ق ۲۶۳–۲۶۵ق	کاتب	ایرانی	خوشنویس
ابوالعباس احمد بن عبید	مقتدر	۳۱۳–۳۱۴ ق	منشی مادر	عرب‌نژاد	خوشنویس

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.5.7]

نام وزیر	نام خلیفه	مدت وزارت	شغل قبل از وزارت	ملیت	اقدامات
الله بن احمد بن خصیب			مقتدر عباسی		
ابوالحسن فرات	مقتدر	۲۹۶-۲۹۹ق ۳۰۴-۳۰۶ق ۳۱۱-۳۱۲ق	نویسنده و ادیب	عرب‌نژاد	خوشنویس، حمایت از ابن‌مقله (امام الخطاطین)
ابن‌مقله	مقتدر، قاهر راضی	۳۱۶-۳۱۸ق ۳۲۰-۳۲۱ق ۳۲۲-۳۲۵ق	کاتب	عرب‌نژاد	پیغمبر خط، استخراج شش خط از خط کوفی، زیباسازی مفردات و ترکیبات ساختاری حروف و کلمات، استفادهٔ کاربردی از هندسه در خط، تدوین قواعد و اصول خط، آسان کردن یادگیری خط برای عموم، آشتی دادن مردم با هنر خط. تألیف کتاب‌هایی در خط مانند *رسالة فی العلم الخط*، *رسالة خط*، *اصناف الکتاب*، *الاختیار الاشعار و جمل الخط*، تألیف ۲۹ جزء از قرآن کریم، پرورش استادانی بزرگ در خوشنویسی نظیر محمدبن سعد، محمدبن سمسانی و ابن‌بواب.

نتیجه‌گیری

عصر عباسی فرصت‌های ممتازی را برای بروز رشد و شکوفایی هنرمندان در شاخه‌های مختلف هنری به‌ویژه خوشنویسی پدید آورد. در عصر عباسی از خلافت سفاح تا پایان خلافت الراضی (۱۳۲-۳۲۹ق) وزیرانی که به مسند وزارت منصوب می‌شدند، اغلب از میان کاتبان یا دبیران انتخاب می‌شدند. برخی از آنان به فنون و ظرافت‌های خوشنویسی

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.5.7]

آشنا بودند و بنا بر طبع هنرمند و هنرپرورشان هنر خوشنویسی را مورد حمایت خویش قرار می‌دادند. بر همین اساس، می‌توان این زمان را عصر اعتلا و رشد هنر خوشنویسی و زیبانویسی دانست که اساس و پایهٔ آن را وزیران دربار عباسی برعهده داشتند. در دوره اول خلافت عباسی، به یُمن وجود وزرایی چون یحیی برمکی و حمایت و علاقهٔ او به زیبانویسی، برای نخستین بار خطاطی به عنوان هنر مورد توجه کاتبان و به تبع اقبال عامه مردم قرار گرفت. در این عصر با حمایت‌های اقتصادی وزیران کتاب‌هایی در زمینه خوشنویسی و خطاطی به رشته تحریر درآمد و راه را برای فراگیری و آموزش این هنر در میان علاقه‌مندان هموار کرد. از سوی دیگر، وزیران عباسی با حمایت از هنرمندان نیازهای مالی آنان را برطرف و یا آنان را در مقام‌های عالی‌مرتبه منصوب می‌کردند که ثمرهٔ آن مطرح شدن هنرمندانی چیره‌دست و زبردست در این عرصه بود که زمینه رشد خوشنویسی و ابداع خطوط مختلف را فراهم کردند. این توجهات در دوران مأمون و در سایهٔ حمایت‌های بی‌دریغ وزیرش فضل بن سهل باعث رونق هنر زیبانویسی در خطاطی شد. علاقه به زیبانویسی، آزادی عمل خوشنویسان و رقابت شدید خطاطان، در این زمان باعث پیدایش و ظهور اقلام جدید و متنوعی شد. در دوره دوم عباسی به دلیل مشکلات اقتصادی در سرزمین‌های خلافت عباسی و همچنین تنش در امور سیاسی دربار، علاقه و توجه به این هنر اصیل رنگ باخت و وزیران علاقه‌ای به توسعه و گسترش خوشنویسی نشان نمی‌دادند، اما با ظهور ابن‌مقله هنر خوشنویسی جانی تازه گرفت. ابن‌مقله که وزارت سه تن از خلفای عباسی را برعهده داشت، با وضع قوانین خوشنویسی آسان و قابل فهم کردن خطاطی، این هنر را به میان عامه مردم بازگرداند. تلاش‌های او باعث تکمیل خطوط قدیمی و همچنین ابداع خطوطی زیبا و دل‌انگیز شد. ابن‌مقله علاوه بر ابداع خطوط، به ثبت و وضع قوانین در هنر خوشنویسی نیز اقدام کرد که کاربرد این قوانین تا روزگار ما نیز ادامه دارد.

منابع و مآخذ

- ابن‌اثیر، عزالدین علی (۱۳۷۱)، *الکامل، تاریخ بزرگ اسلام و ایران*، ترجمهٔ ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، ج۱۲، تهران: مؤسسهٔ مطبوعات علمی.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.5.7]

- ابن‌خلکان، احمدبن محمد (۱۴۱۹)، *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان*، تحقیق یوسف علی طویل، ج۳، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن‌طیفور، ابوالفضل احمدبن طاهر (۱۴۲۳ق/ ۲۰۰۲م)، *کتاب بغداد*، تحقیق عزت العطار الحسینی، قاهره: مکتبة خانجی.
- ابن‌طقطقی، محمدبن علی (۱۳۶۷)، *تاریخ فخری*، ترجمهٔ محمد وحید گلپایگانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن‌ندیم، محمدبن اسحاق (۱۳۶۶)، *الفهرست*، ترجمهٔ محمدرضا تجدد، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- اصفهانی، میرزا حبیب (۱۳۶۹)، تذکره *خط و خطاطان*، ترجمهٔ رحیم چاوش اکبری، تهران: انتشارات مستوفی.
- بووا، لوسین (۱۳۳۶)، *برمکیان*، ترجمهٔ عبدالحسین میکده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- جاحظ، عمروبن بحر (۱۴۲۴ق)، *الحیوان*، محشی محمد باسل عیون سود، ج۱، بیروت: دار الکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون.
- جهشیاری، محمدبن عبدوس (۱۳۴۸)، *الوزراء و الکتاب*، ترجمهٔابوالفضل طباطبایی، تهران: [بی‌نا].
- حسن، حسن ابراهیم (۱۳۹۲)، *تاریخ سیاسی اسلام*، ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات جاویدان.
- خلیلی، ناصر و دیوید جیمز (۱۳۸۰)، *کارهای استادانه: قرآن‌نویسی تا قرن هشتم هجری قمری*، ترجمهٔ پیام بهتاش، ج۲، تهران: نشر کارنگ.
- راهجیری، علی (۱۳۴۶)، *پیدایش خط و خطاطان*، تهران: انتشارات ابن‌سینا.
- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم(۱۳۴۵)، *تاریخ خط و خطاطان*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- زین‌الدین المصرف، ناجی (۱۳۹۳)، *دانشنامه خطوط اسلامی*، تهران: انتشارات گلدسته.
- سبزواری، فتح‌الله (۱۳۷۲)، *اصول و قواعد خطوط سته، در کتاب آرایی در تمدن اسلامی*، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- سجادی، محمدصادق (۱۳۸۵)، *برمکیان*، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشاری یزدی.
- سرمدی، عباس (۱۳۷۹)، *دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام*، تهران: هیرمند.
- سعدی، مصلح‌الدین [بی‌تا]، *کلیات سعدی*، تصحیح عبدالعظیم قریب، تهران: انتشارات جاویدان.
- سمعانی، عبدالکریم‌بن محمد (۱۳۸۱)، «افزارها و آداب نسخه‌برداری»، ترجمهٔ حسین استادولی، *نامه بهارستان*، س۳، ش۵، ص۲۱-۳۲.
- شیمل، انه ماری (۱۳۶۸)، *خوشنویسی و فرهنگ اسلامی*، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- صابی، هلال‌بن محسن (۱۳۴۶)، *رسوم دار الخلافه*، تصحیح میخاییل عواد، ترجمهٔ محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- صولی، محمدبن یحیی (۱۳۴۱ق)، *ادب الکتاب*، تحقیق محمد شکری آلوسی، بغداد: دار الکتب العلمیه.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.5.7]

- صیرفی، عبدالله (۱۳۸۷)، *آداب خط*، در کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی(مایل هروی، نجیب)، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۷۵)، *تاریخ الرسل و الملوک*، ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده، ج۱۲، تهران: انتشارات اساطیر.
- طقوش محمد سهیل (۱۳۹۴)، *دولت عباسیان*، ترجمه حجت‌الله جودکی، با اضافاتی از رسول جعفریان، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- عقیلی، سیف‌الدین حاجی‌بن نظام (۱۳۶۴)، *آثار الوزراء*، تصحیح میر جلال‌الدین حسینی ارموی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- فروخ، عمر (۱۹۵۰م)، *الرسایل و المقامات*، بیروت: [بی‌نا].
- فضائلی، حبیب‌الله (۱۳۶۲)، *اطلس خط*، اصفهان: انتشارات مشعل.
- قلقشندی احمدبن علی [بی‌تا]، *صبح الاعشی فی صناعة الانشاء*، تحقیق محمدحسین شمس‌الدین، ج۳، بیروت دار الکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون.
- الکردی المکی الخطاط، محمد طاهر(۱۹۳۹م)، *تاریخ الخط العربی و آدابه*، بیروت: مکتبة الهلال.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۷۲)، *کتاب‌آرایی در تمدن اسلام*، مشهد: انتشارات استان قدس رضوی.
- متز، آدام (۱۳۶۴)، *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری یا رنسانس اسلامی*، ترجمهٔ علیرضا ذکاوتی قراگزلو، ج۱، تهران: امیرکبیر.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الانوار*، ج۲، بیروت: مؤسسة الوفا.
- مسعودی، ابوالحسن علی‌بن حسین [بی‌تا]، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، ج۴، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- مقتدایی، علی‌اصغر (۱۳۹۴)، *تاریخ خط و خوشنویسی*، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- ..... (۱۳۸۴)، *دائرة المعارف بزرگ خط*، تهران: آراد.
- ناموس خواری، محمدبن علی (۱۳۸۷)، «آلات کتابت و بیان آداب و عادات دبیری»، به کوشش قنبرعلی رودگر، *نامهٔ بهارستان*، س ۸ و ۹، ش ۱۳ و ۱۴، صص۱۳-۲۲.
- نخجوانی، هندوشاه (۱۳۴۴)، *تجارب السلف*، به تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: کتابخانهٔ طهوری.
- همایونفرخ، رکن‌الدین (۱۳۵۰)، *سهم ایرانیان در پیدایش و آفرینش خط در جهان*، تهران: [بی‌نا].
- وزیری، حسن (۱۳۸۱)، *وزیر مثلث*، نهران: انتشارات امینی.
- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۹۰)، *ابن‌مقله*، تهران: امیرکبیر.
- Safadi, Yasin Hamid (1987), *Islamic Calligraphy*, London: Thames and Hudson.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.5.7]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.5.7]
[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]